

اسطوره کاوی عشق در «بهیت خه ج و سیامه ند» از موکریان^۱

علیرضا عزیزی یوسفکند^۲

بهمن نامور مطلق^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

چکیده

در اولین قدم اسطوره یک روایت و داستان به نظر می‌رسد؛ اما اساطیر حامل راه و روش، اندیشه و پیام‌های نهفته در لابه لای روایت اند. حقایق نهفته در این روایت‌ها از بسیاری جهات الگو و روشی بر پایه فرهنگ دیرینه ما، برای زندگی در جامعه امروز ارائه می‌دهند. فرهنگ غالب و مسلط غرب بر جهان، الگوهای جدید عشق را منتشر می‌کند و جایگاه عشق را تنزل بخشیده به لذت جسمانی منتهی می‌کند. این امر باعث بحران روابط انسانی در جامعه شده است. به همین جهت واکاوی الگوهای عشق در فرهنگ گذشته امری ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. در فرهنگ شفاهی مردمان موکریان، منظومه‌های داستانی و توصیفی وجود دارد که بیت خوانده می‌شود. بیت‌ها را خوش‌خوانان موکری تنها با آواز و بدون استفاده از هیچ ساز موسیقی به شکل ملحون روایت می‌کنند. یکی از معروف‌ترین آنها بیت خدیجه و سیامند است که داستانی عاشقانه و تراژیک بین دو عموزاده را روایت می‌کند. به منظور بررسی و شناسایی الگوی عشق در فرهنگ کهن مردمان موکریان، شیوه و نحوه رابطه عشق میان خدیجه و سیامند موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفت. در واقع باید گفت که اسطوره کاوی عشق، درک صحیح و خوانشی نواز (بهیت خه ج و سیامه ند) در موکریان به مخاطب داده و یکی از الگوهای عشق را در این فرهنگ برای مخاطب روشن کرده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا عشق در روایت مدنظر دارای ساختار مشخص است، آیا نمونه این ساختار در سایر اساطیر ایران و دیگر ملل مشاهده می‌شود. نتیجه نشان داد که ساختار عشق در این روایت، هدفمند طراحی شده و قابل شناسایی است. همچنین مشابه این ساختار در سایر اساطیر ملل دیگر مشاهده می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، میدانی، همچنین شبکه جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، الگوی عشق، بهیت خج و سیامند، موکریان.

1-DOI:10.22051/JJH.2021.35121.1610

۲- دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران. a.azizi@tabriziau.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، نویسنده مسئول. bnmotlagh@yahoo.ir

در شمال غرب ایران ناحیه‌ای است با آب و هوای کوهستانی که به اسم موکریان و به مرکزیت شهرستان مهاباد شهرت دارد. کردستان موکریان سرزمینی است بسیار وسیع که از نظر طبیعی توده مرتفعی است که از شمال به شهرستان اشنویه و دریاچه ارومیه و از سمت جنوب به شهرسندج و از طرف غرب به کشور عراق و از سمت شرق به شهر مراغه و تبریز منتهی و هم‌مرز می‌شود (روژیانی، ۱۳۸۵: ۴۵). مردم منطقه موکریان نیز همسان سایر اقوام و تمدن‌های پراکنده ایران و جهان دارای فرهنگ و هنر خاص و منحصر به فرد خویش اند. به علت شرایط تاریخی، حوزه اجتماعی و... در پیشینه تاریخی دوران تمدن، اثری از هنر تصویری و ادبیات مکتوب به صورت کلاسیک اروپا و سنتی ایران وجود ندارد، ولی بسیاری از گفته‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی به شیوه سنتی و به صورت سینه به سینه منتقل و حفظ شده است که باعث شکل‌گیری نوعی خاص از ادبیات شفاهی شده است. یکی از این موارد، بیان بسیاری از اصول و قواعد زیستی این مردمان، نهفته در دل داستان و افسانه‌هاست که به صورت آواز سینه به سینه نقل شده و از گزند تاریخ مصون مانده است. در منطقه موکریان نوعی خاص از موسیقی و آواز وجود دارد که به بیت و حیران شهرت دارد. بیت یک داستان منظوم است که در موکریان رواج دارد (هه ژار، ۱۳۷۶: ۸۷). در فرهنگ شفاهی مردمان موکریان، منظومه‌های داستانی و توصیفی وجود دارد که بیت خوانده می‌شود. بیت‌ها را خوش‌خوانان موکری صرفاً با آواز و به شکل ملحون روایت می‌کنند. این روایت‌ها دارای کلامی است که وجهه‌های اساطیری، آئینی و تاریخی دارد (ضیاءالدینی، ۱۳۹۷: ۱۷). روایان بیت عموماً افراد کهن سال اند که بالحن خاص خود افسانه‌ها و داستان‌هایی را که از گذشته‌های دور تاریخی به ارث برده‌اند، برای مخاطبان بازگو می‌کنند. بیت از مقام‌های مهم کردهای موکریان است که بدون همراهی ساز موسیقی اجرا شده و فقط از شعر و کلام استفاده می‌شود، چنان‌که بسیاری از پژوهشگران ادبیات کردی آن را گونه‌ای بازمانده از سنت خنیاگری در ایران باستان می‌دانند. اکثر روایت‌ها، افسانه‌ها و بیت‌های موکریان دارای پایان و حالتی تراژیک اند که خود جای تحقیقی مفصل دارد.

فکر و اندیشه هر تمدنی در آثار هنری آنان انعکاس یافته است. این حضور و انعکاس در موسیقی بسیار پررنگ‌تر و چشمگیرتر از سایر هنرهاست. این مهم در آثار هنری

کردها خصوصاً بیت‌ها، بارز و مشخص است. اگر به دقت این بیت‌ها را که از گذشته‌های دور به ارث رسیده است، همچون تابلوی نقاشی بررسی و تحلیل کنیم، بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در تاریخ گذشته آشکار خواهد شد (بحری، ۱۳۷۹: ۱۳). در این پژوهش یک افسانه تراژیک از منطقه موکریان بررسی شد که داستان عشق دو دل‌داده با سرانجامی ناخوشایند را روایت می‌کند. این بیت را روایان و بیت‌خوانان با اسم بیت خدیجه و سیامند، «به یه خه ج و سیامه ند» می‌خوانند. این روایت اسطوره‌ای در اکثر مناطق کردنشین جهان به شیوه‌های مختلف و تغییرات اندک در جزئیات روایت داستان، با شور و اشتیاق فراوان بیان می‌شود و در دوره معاصر هم به سایر هنرها رسوخ کرده و خودنمایی می‌کند. عشق در فرهنگ ایرانی به دلیل جایگاه فرهنگی و دینی، عشقی معتدل است. عشق به عنوان یک عنصر اساسی زندگی انسان همواره مدنظر محققان همه رشته‌های علوم انسانی بوده است، اما امروزه به دلیل بحران روابط خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها این امر به یک ضرورت بنیادین تبدیل شده است. فرهنگ غالب و مسلط غرب بر جهان مدرن و معاصر، الگوهای جدید عشق را منتشر می‌کند و به همراه آن تفکر خود را گسترش داده و جایگاه عشق را تنزل بخشیده و به لذت جسمانی منتهی می‌کند و این امر باعث بحران در روابط انسانی در جامعه شده است (نامور مطلق، ۱۳۹۸: ۳۷). شیوه و نحوه رابطه عشق میان سیامند و خدیجه موضوع اصلی این پژوهش است و هدف آن بررسی و شناسایی الگوی عشق در فرهنگ کهن مردمان موکریان و ارائه آن به جوانان دورافتاده از فرهنگ دیرینه خود است.

پیشینه پژوهش

درباره موسیقی سنتی کردی تعداد اندکی پژوهش صورت گرفته است. همچنین بیت و بیت‌خوانی به عنوان بخشی اساسی از موسیقی سنتی کردهای موکریان خیلی کم مدنظر پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما درباره بیت و خوانش الگوی عشق در موسیقی سنتی کردی تاکنون به صورت جدی و علمی پژوهشی صورت نگرفته است و به این امر برای اولین بار در این پژوهش توجه شده است. با این وجود تعدادی پژوهش در راستای این پژوهش به شرح ذیل شناسایی و مطالعه شد.

اسکارمان مستشرق آلمانی در دوره مظفرالدین شاه قاجار،

در طی دو سفر به ایران (۱۹۰۷-۱۹۰۱ م) گویش های بومی و سروده ها و داستان های محلی را جمع آوری کرد. او در موکریان به بررسی وضبط ادبیات عامیانه و فرهنگ بومی منطقه مشغول بوده است. حاصل این پژوهش گردآوری حدود ۲۶ افسانه، حیران، داستان و روایت در قالب یک کتاب با عنوان تحفه مظفریه (۱۹۰۵ م) بود که در برلین چاپ شده و به دربار شاه قاجار هدیه شد. این کتاب را همین موکریانی تصحیح و نشر سیدیان (۱۳۵۳) با همین عنوان به چاپ رسانده است. عبیدالله ایوبیان^۲ (۱۳۳۵) در مقاله ای تحت عنوان «چریکه خج و سیامه ند / یزدان»، این روایت را در مناطق مختلف کردنشین به لحاظ زبان شناسی بررسی کرده است. عبدالحمید حسینی (۱۳۵۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان روایت هایی از منظومه حماسی دمد، بیت قلعه دم دم را به لحاظ غنایی و شعری مطالعه و بررسی کرده است. فائزه الهی (۱۳۷۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان ادبیات شفاهی (فولکلور) عشایر کردمکری (نمونه موردی ایل منگور مهاباد)، ادبیات شفاهی ایل منگور در منطقه موکریان را بحث و بررسی کرده است. آقای احمد بحری^۳ (۱۳۷۹) در کتاب خویش با عنوان گه نجی سه ره مور، پنج گونه بیت (خج و سیا مه ند، سه یده وان، حه یران، ئازیزه، پایزه) را در منطقه موکریان مطالعه کرده است. ایشان در ابتدا جایگاه این نوع موسیقی در گذشته و دوره معاصر جامعه موکریان را بررسی کرده و در ادامه روایت آنها را به صورت مختصر تحلیل کرده و در انتها نیز چندین روایت مقبول مربوط به هر کدام را کاملاً منطبق بر فایل صوتی آنها مکتوب کرده است. علیرضا عزیز یوسفکنند (۱۳۸۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان بررسی نقوش دست بافته های زنان کرد موکریان با تأکید بر نقوش روی کلاه، نقوش گرافیکی روی دست بافته های کردی موکریان را جمع آوری و مطالعه و بررسی کرده است. حمیرا آذرخش (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان بررسی قابلیت های رادیویی بیت خوانی در فرهنگ گرد (بررسی موردی بیت خوانی در موکریان)، جایگاه و نقش بیت خوانی منطقه موکریان به لحاظ قابلیت های استفاده شده در بخش رادیو در صداوسیما را سنجیده است. صالح نصرت هیق (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان بازنمایی هویت قومی گردی در موسیقی سنتی گردی مکریان، مؤلفه های هویت قومی کردهای موکریان را در موسیقی سنتی آنها مطالعه و بررسی کرده است. دنیا گفتاری (۱۳۹۷)

در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان بررسی وجوه دراماتیک بیت های کردی با تأکید بر بیت سواره و با توجه به نظریات مارتین پوشنر، یکی از بیت های کردی (سوارو) را انتخاب و به لحاظ دراماتیک روایت مدنظر را تحلیل و بررسی کرده است. سامان رحمان زاده (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان بررسی تطبیقی ساختار اساطیری حماسی در ادبیات حماسی کردی و فارسی، اسطوره های حماسی را در دو فرهنگ فارسی و کردی بررسی کرده و تطابق آنها را سنجیده است. عزیز یوسفکنند و شکرپور (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل اسطوره شاماران بر اساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل»، یکی از اسطوره های مناطق کردنشین را با الگوی قهرمان یگانه از منظر جوزف کمبل تطبیق داده و به ساختار اساطیری آن دست یافته اند. عزیز یوسفکنند و نامور مطلق (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل کهن الگوها در اسطوره شاماران از منطقه موکریان بر اساس آرای یونگ»، کهن الگوهای مادر مثالی، پیرفرزانه، ولادت مجدد، آنیما و آیموس، فردبیت، در اسطوره شاماران از منطقه موکریان را شناسایی و تحلیل کرده اند.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع کیفی محسوب شده و به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. این پژوهش در پی بررسی و شناسایی و تطبیق اسطوره ای، الگوی عشق در روایت بیت خج و سیامه ند در منطقه موکریان است. به همین منظور، ابتدا فایل صوتی این روایت از چندین بیت سرای مطرح منطقه موکریان جمع آوری شد. سپس به صورت میدانی با ارتباط با پژوهشگران ادبیات کرد در موکریان، سایر داده های لازم جمع آوری شد. بعد از این مرحله به صورت کتابخانه ای بیت مدنظر بررسی و تحلیل شد و الگوی عشق، نهان در روایت، شناسایی و بررسی شد. روش گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع مکتوب و کتابخانه ای، میدانی، همچنین شبکه جهانی اطلاع رسانی، اینترنت، بوده است.

خلاصه روایت به بیت خج و سیامه ند در موکریان

در این پژوهش بیت خج و سیامه ند به روایت خواننده و بیت سرای مشهور آقای محمد غزالی مشهور به «حه مه دی به یتان» اهل روستای بیرام از توابع شهرستان مهاباد در موکریان، مطالعه و بررسی شد؛ چرا که نگارندگان معتقدند



تصویرا. تصویرسازی «به بیت خه ج و سیامند»، اثر هنرمند مهدی ضیاءالدینی (منبع: آرشیوهنرمند)

که روایت او از این داستان در بین همه بیت سرایان مشهور و نامدار منطقه، مشترک و پذیرفته است. طبق روایت و آواز محمد غزالی مشهور به حه مه دی به یتان، خدیجه و سیامند، عموزاده هستند و باهم بزرگ شده و در سن جوانی عاشق هم می‌شوند. سیامند هفت خواهر دارد و خدیجه هفت برادر. پدر سیامند به همراه چند ریش سفید به منزل برادرش رفته و خدیجه را از برادرش برای سیامند خواستگاری می‌کند، اما عموی سیامند حتی در مقابل هفت خواهر سیامند برای پسرانش هم قبول نکرده و حاضر به ازدواج خدیجه و سیامند نمی‌شود. هم‌زمان برادران خدیجه قسم می‌خورند که خدیجه و سیامند هرگز دست در گردن هم نخواهند گذاشت. سیامند که در جلسه خواستگاری حضور داشته این مطالب را می‌شنود، خشمگین از شکست خواستگاری، سوار بر اسب، مخفیانه به پیش خدیجه می‌رود. خدیجه که انتظار این جواب را از پدر و برادرانش نداشته، آشفته و ناراحت می‌شود. سیامند به او می‌گوید که همین الان ترک وطن می‌کند، اما خدیجه گریان، بیان می‌کند که زندگی بدون او برایش معنی ندارد و سیامند هر کجا برود او هم همراهش می‌رود. سیامند به همراه خدیجه از منزل فرار کرده و به بالای بلندترین و سخت‌ترین کوه موکریان یعنی «کی له سی پان» می‌رسند و در بالای کوه چادر خود را برافراشته می‌کنند. سیامند از فرط خستگی سر روی زانوی خدیجه گذاشته و به خواب می‌رود. سیامند با خیس شدن صورتش بیدار شده و می‌بیند که خدیجه گریه می‌کند. سیامند می‌گوید عموزاده چرا مثل آفتاب وسط باران، گریه می‌کنی اگر پیشیمان شدی تو را به خانه برمی‌گردانم. خدیجه جواب می‌دهد که من پیشیمان نیستم و خواب پر آشوب و ترسناک خود را بازگو می‌کند. سیامند قول می‌دهد که چنین نخواهد شد، ولی قضای روزگار همان‌گونه شد. هفت کل کوهی نریک ماده را در کوهستان دنبال می‌کنند و سیامند جوان‌ترین کل کوهی نریک را که ماده را صاحب شده و نمی‌گذارد بقیه نرها به او نزدیک شوند، با تیرشکاری می‌کند و وقتی می‌رود سرش را جدا کند و برای خدیجه گوشت تازه هدیه بیاورد، کل کوهی نیمه‌جان پاهایش را به سنگی محکم تکیه داده و بایک تکان شدید با شاخ‌هایش سیامند را بلند کرده و از بالای کوه پرت می‌کند (تصویر ۱).

سیامند بر روی درختی در میانه کوه افتاده و در میان شاخه‌ها و خارهای درخت گزگیر کرده و جسمش از دوازده

جا سوراخ سوراخ می‌شود. خدیجه گریان و هراسان که شاهد ماجرا بوده خود را به لبه پرتگاه رسانده و شیون و زاری می‌کند. خدیجه گریان می‌گوید: عموزاده من ناله مکن، ای خیرندیده و ناکام من ناله مکن، یادش به خیر که آن زمانی که بالای این کوه می‌آمدیم و چهل و چهار چادر می‌زدیم، از جلوی چادرها بیست و چهار کل کوهی نریک می‌شدند و کل کوهی نریک کوچک تر زمین را با شاخ‌هایش شخم زده و سر گیاهان تازه رسیده را می‌خورد، برادرانم می‌گفتند: سیامند بیا که خدیجه را به تو بدهیم و تو قبول نمی‌کردی. خدیجه گریان می‌گوید: عموزاده من، ناله مکن ای خیرندیده و ناکام من ناله مکن، چقدر گفتم که من گوشت تازه نمی‌خواهم، عموزاده من، مریض مردم در رختخواب گرم و نرم دراز کشیده و استراحت می‌کنند، در حالی که آب خنک همچون آب برف را می‌نوشد و عموزاده من غرق در خون لب‌هایش را با خون خیس می‌کند. سیامند جواب می‌دهد عموزاده، تو گریه نکن تا من ناله نکنم، از بیست و چهار شاخه این درخت، دوازده شاخه آن از سینه من بیرون آمده، اگر یکی از آنها حاکم می‌شد، دیگری حتماً ظالم می‌شد، اگر من ستاره بخت و اقبال داشتم که سردار می‌شدم و تو هم حلال من می‌شدی. سیامند به توصیف اندام زیبای خدیجه می‌پردازد و وصیت



تصویر ۲. نقش برجسته «به بیت خه ج و سیامند»، اثر هنرمند مهدی ضیاءالدینی (منبع: آرشیو هنرمند)

تا آخرین لحظه زندگی با هم خواهند بود و حتی مرگ هم آنها را از هم جدا نخواهد کرد. بیت «خه ج و سیامند» نیز نمایانگر این مطلب است. خدیجه همچون عاشقی را سخ می خواهد وجود خود را با سیامند در هم آمیزد، ولی چنین عملی خطر مرگ او را به همراه دارد. روایت‌هایی که در آن عاشق و معشوق، مردن را بر جدایی ترجیح می دهند، از این باور که عشق از مرگ فراتر می رود سخن می گویند. داستان خدیجه و سیامند از گونه عشاقی است که مرگ در کنار هم را بر زندگی به تنهایی ترجیح می دهند. این روایت دارای مضمون‌های مختلفی است که چند گونه مهم آن در ارتباط با عشق بیان می شود.

۱. فرار از خانه (ره دوو که وتن)

فرار عشاق، یک رسم ناپسند کهن است که از گذشته‌های دور در منطقه موکریان رواج داشته و با اصطلاح «ره دوو که وتن» خوانده می شده است؛ یعنی دختر به همراه پسر از خانه پدری فراری می شود. جامعه گذشته موکریان پیرو ویژگی‌های پدرسالارانه و مردسالاری بوده است، جامعه‌ای که در آن همچنان تولد فرزند پسر با شادی و ستایش بیشتری نسبت به تولد دختر همراه بوده است. اختیار دختران خانواده به دست پدر و فرزندان ذکور بوده و حتی در بسیاری موارد دختران مجبور به ازدواج با کسی می شدند که پدر انتخاب کرده، یعنی ازدواج اجباری بوده و اختیاری در انتخاب همسر نداشته‌اند. در این شیوه جایی برای بروز عشق و دلدادگی قبل از ازدواج وجود نداشته است. این امر سبب بروز بدعت تازه در ازدواج شد، یعنی زمانی که دو جوان عاشق و دلداده می شدند، از خانه فرار می کردند تا از تصمیم اجباری خانواده برای آنها دور شده و از طرف دیگر رأی خانواده را برگردانده و آنها را مجبور به رضایت و موافقت با ازدواج خود کنند. در این شیوه دختران با جریحه دار کردن غیرت پدر به خواسته خود رسیده و موفق به ازدواج با پسر می شدند که به آن علاقه داشتند.

تکنیک فرار «ره دوو که وتن» شاید در برخی از موارد باعث رسیدن به نتیجه دلخواه عشاق شود، ولی در بسیاری از موارد هم به نتیجه دلخواه نمی رسند. معمولاً خانواده‌ها از ترس آبرویشان با ازدواج فرزندان فراری‌شان موافقت می کنند، اما از طرف دیگر این افراد پس از ازدواج از خانواده‌ها طرد شده و حمایت آنها را برای مدتی طولانی یا همیشه از دست می دهند. معمولاً بعد از ازدواج، دختر از سوی پدر و خانواده پدری طرد می شود در زندگی اش تنهایی را تجربه

می کند که جسد او را در سرراه به خاک بسپارد و هنگامی که با دوستانش از دوشیدن شیر گوسفندان برمی گردد، محکم بر قبرش بکوبد و بگوید این است قبر عموزاده غریب من. خدیجه که دیگر طاق‌ت این حرف‌ها را ندارد این کوه را نفرین کرده و فریاد می زند که عموزاده من، ناله مکن و آغوشت را بازکن که من هم پیش‌ت می آیم و طاق‌ت دوری و تنهایی ندارم. پس خدیجه خود را از بالای کوه پرت کرده و در کنار سیامند روی درخت افتاده و هر دو دلدار چشم از جهان فرو می بندند (تصویر ۲).

نقد مضمونی

برای اکثر خوانندگان داستان‌هایی که روابط فردی را تحلیل می کند، دارای جذابیت بیشتری نسبت به دیگر داستان‌ها که فقط یک روایت خطی را بازگو می کنند، هستند و زمانی که قهرمان داستان با فرد دیگری روابط عاشقانه برقرار می کند. اوج احساسات و توجه خواننده را به خود جلب می کند. شخصیت عشاق معمولاً دارای گیرایی و جاذبه شایان توجهی برای مخاطب است و نظر همه جانبه او را جلب می کند. عشاق در اوج احساسات خود تصمیم می گیرند که

مضمون	روایت داستانی	اهداف پنهانی در لابه‌لای روایت	هدف نهایی	دلالت
فرار از خانه (ره دوو که وتن)	فرار خدیجه به همراه سیامند از خانه بعد از مخالفت خانواده با ازدواج آنها	منع از سوی خانواده‌ها به علت لکه‌دار کردن شرافت خانوادگی تحت فشار قراردادن خانواده برای جلب رضایت ازدواج عشاق	نباید	مرگ دو عاشق در آخرداستان
ازدواج بین فامیلی	خواستگاری سیامند از عموزاده‌اش خدیجه	منع از سوی ارباب‌ها به علت ترس از بزرگ شدن خانواده‌ها و قدرت گرفتن آنها و از دست دادن جایگاه خود به لحاظ قدرت و ثروت تمایل نداشتن خانواده‌ها به دلیل تعصب و احساس خطر ناموسی	نباید	مرگ دو عاشق در آخرداستان
عشق و هدیه	سیامند گوشت تازه برای خدیجه شکار می‌کند	سیامند جانش را به خدیجه هدیه می‌دهد خدیجه در مقابل هدیه سیامند، جانش را به او هدیه می‌دهد	باید	گذشت از جان عشاق برای تکامل
وفاداری فعال	خدیجه نظر خانواده را قبول نکرده و با سیامند فرار می‌کند خدیجه توان دوری سیامند را ندارد و به دنبال او از کوه پایین می‌پرد	گذشت خدیجه از همه موانع برای ماندن در کنار عشق سیامند	باید	رسیدن ابدی دو عاشق در آخرداستان
عشق و پویایی	فرار خدیجه به همراه سیامند از خانه بعد از مخالفت خانواده با ازدواج آنها پرسیدن خدیجه از بالای کوه به دنبال سیامند	ماندن در کنار هم عاشق و معشوق در هر شرایط	باید	مرگ دو عاشق در کنار هم در آخرداستان

می‌کند، چرا که نه خانواده پدری پشتیبان و حامی او باقی مانده است و نه خانواده داماد به دختر فراری چندان بهایی می‌دهد. در بیت مذکور تکنیک فرار از منزل «ره دوو که وتن» به قصد ازدواج مشاهده می‌شود. زمانی که پدر سیامند به همراه تنی چند از ریش سفیدان محل به منزل برادرش می‌رود و خدیجه را برای سیامند خواستگاری می‌کند با مخالفت صریح و شدید پدر و برادران خدیجه روبه‌رو می‌شود. سیامند که در مراسم خواستگاری حضور داشته است، غمگین و ناراحت به خانه برگشته و اسب خویش را زین کرده از سرپرده خدیجه رد شد و قصد فرار از روستای خویش به دیار نامعلوم دارد. خدیجه جویای علت شده و معلوم می‌شود که او در جریان نتیجه خواستگاری نبوده و حتی از او نظر خواهی نشده است.

سیامند جریان را بازگو می‌کند و پیشنهاد می‌کند که خدیجه هم همراه او از خانه و روستا فرار کند. خدیجه قبول کرده و اسب خویش را برداشته و به همراه سیامند از خانه پدری فرار کرده و به بالای بالاترین کوه منطقه «کی له سی پان» می‌روند. «ره وو که وتن» یا فرار از منزل برای ازدواج، از مضمون‌های مهم این داستان است. این روایت افسانه‌ای به علت گسترش و تکرار مداوم در بین اقشار مختلف مردم موکریان تبدیل به یک اسطوره زنده و محترم بدل شده است. از همان آغاز و شروع نقل داستان، بیت سرا بالحنی

سوزناک و غم‌انگیز ذهن و گوش مخاطب خویش را درگیر می‌کند، گویی مخاطب را برای یک داستان تراژیک و پایانی تلخ آماده می‌کند. روایت جذاب داستان به همراه لحن حزن‌انگیز راوی، مخاطب را از مضمون اصلی و پنهان در لابه‌لای صحنه‌ها و دیالوگ‌های سوزناک دو عاشق دور می‌کند. یکی از اهداف اصلی و مضمون پنهانی این روایت، مخالفت با بدعت در شیوه ازدواج جوانان عاشق است. مؤلفان اصلی این روایت با بیان داستانی زیبا و افسانه‌ای می‌کنند که بدعت در رسوم، پایانی نیک نداشته و دل همه را زخمی خواهد کرد. خدیجه و سیامند با انتخاب تکنیک فرار «ره دوو که وتن» سرانجامی تلخ را برای خود رقم می‌زنند و بر این باورند که هر کس دیگری هم در این مسیر قدم بگذارد، نتیجه‌ای بهتر از این نخواهد گرفت. پایان این روایت بسیار هوشمندانه طرح‌ریزی شده است.

در لابه‌لای روایتی زیبا، جذاب و عاشقانه، یک مفهوم عمیق اجتماعی تحلیل شده است و بازیرکی تمام تکنیک فرار به قصد ازدواج «ره دوو که وتن» را نکوهش کرده و پایان نافرجام داستان، مهتری است محکم بررد این شیوه نادرست ازدواج و هشدار جدی در لابه‌لای داستانی جذاب به جوانان که شکستن رسوم و تبعیت از این شیوه ناپسند، همانا عاقبتی ناخوشایند و نافرجام همچون عاقبت خدیجه و سیامند

را برای آنها رقم خواهد زد و این دلیلی روشن و واضح است بر حمایت مردان و پدران خانواده‌ها از تکرار مکرر این بیت که خوش‌خوان‌ها در میان مردم و خانواده‌ها روایت می‌کنند (جدول ۱).

۲. ازدواج بین فامیلی

ازدواج فامیلی در طول تاریخ بخش مهمی از حفظ ثبات خانواده، به‌ویژه در بین طبقه‌های سلطنتی و اشرافی بوده است. با ازدواج فامیلی، زوجین جدید، روابط بین گروه‌های خانواده را تثبیت کرده و اطمینان می‌دادند که این رابطه سودآور در نسل بعدی نیز ادامه خواهد یافت. تمرکز ثروت و تبدیل شدن خانواده‌ها به منبع قدرت و نیروی متحد در گستره روابط خویشاوندی و در نتیجه به وجود آمدن قدرت بیشتر و تشکیل جامعه‌های کوچک از مزایای شایان توجه و انگیزه کافی برای پیوند خانوادگی بود. تقویت دایره روابط خویشاوندی و تلاش برای پیشگیری از وارد شدن دیگران به درون حلقه‌های خانوادگی و فامیلی و حفظ قدرت اقتصادی و نظامی در قلمرو روابط بسته خانوادگی و خویشاوندی‌های خونی با ازدواج فامیلی نزدیک میسر بود.

ازدواج ملکه و ویکتوریا با پسرعموی خود و ازدواج چارلز داروین با دختر عمویش از شاخص‌ترین ازدواج‌های فامیلی است که در اروپا صورت گرفته است. به همین جهت زمانی که در اروپا کلیسا قدرت حاکم جامعه بود این مسئله را تهدیدی برای خود دانسته و ازدواج فامیلی را ممنوع اعلام کرد. بررسی سوابق تاریخی ممنوعیت کلیسایی ازدواج عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها با یکدیگر، بیانگر این حقیقت است که در سال ۱۰۵۹ میلادی، پاپ نیکلاس دوم، رهبر وقت کاتولیک‌ها، با صدور فرمان ازدواج عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها را تا شش نسل، علاوه بر فرزندان، نوه‌ها، نبیره‌ها و نتیجه‌های عموها، ممنوع اعلام می‌کند. انگیزه چنین تصمیمی عمدتاً مربوط به دو مسئله است: یکی تمایل فراوان برخی از خانواده‌ها برای حفظ ثروت در درون روابط خانوادگی و در محدوده خویشاوندان نسبی (تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی) و دیگری گرایش خانواده‌ها به نمایش قدرت و تبدیل شدن به منبع قدرت و نیروی انسانی که تهدیدی برای ثروت و قدرت کلیسا محسوب می‌شد (افروز، ۱۳۹۴: ۲۶). اگرچه در روزگاری نه‌چندان دور در ایران، خانواده‌ها رغبت زیادی برای پیوند خانوادگی داشتند، با آمدن اسلام و پیشرفت علوم پزشکی این امر کم‌رنگ‌تر شده است. دین اسلام تا حد ممکن خانواده‌ها را از این امر برحذر داشته است و پزشکی

معاصر اثبات کرده است که ازدواج فامیلی نزدیک برای تولد بچه‌های نارس و معلول چقدر پرریسک و خطرناک است.

در زمان‌های پیشین، در منطقه موکریان هر ارباب روستایی که صاحب اندک ملک، خانه اربابی، اسب و زین، سگ شکاری بوده است یک خوشخوان و خواننده را در ملک خود نگهداری می‌کرد که شب‌ها در خانه اربابی برایش بیت و آواز محلی بخواند و در مراسم‌های مختلف آواز منطبق با آن مراسم را اجرا کند. هرچه ارباب توانمندتر بوده است خوشخوان استادتر و ماهرتری را استخدام کرده و بیشتر به او مواجب داده است (موکریانی، ۱۳۵۳: ۷).

روایت خدیجه و سیامند با عنوان بیت را خوشخوان‌ها نقل کرده و در حمایت زیاد ارباب‌ها بوده است. این حمایت ارباب‌ها بی‌دلیل نبوده و هدف آن هشدار به گرایش نداشتن خانواده‌ها به ازدواج فامیلی و تبدیل شدن به منبع قدرت و نیروی انسانی است که تهدیدی برای ثروت و قدرت ارباب محسوب می‌شده است. این روایت داستان عشق دو عموزاده نسبت به هم است که به سرانجام نمی‌رسد. این عشق نافرجام، می‌تواند روایتی هدفمند از روح قدرت حاکم بر جامعه آن روزگار مبنی بر مخالفت با ازدواج فامیلی بین جوانان بوده و هشدار جدی به جوانان برای دوری از ازدواج فامیلی است که در غیر این صورت پایانی ناخوشایند همچون خدیجه و سیامند در انتظار آنان است؛ چرا که در طول روایت هیچ‌گونه اشاره‌ای به اختلاف بین دو برادر و خانواده نشده و نشانه‌ای از درگیری و نبود صمیمیت بین دو خانواده ذکر نمی‌شود. پس دو خانواده برادر با تعداد فرزندان زیاد به خوشی در کنار هم روزگار سپری کرده‌اند. از طرف دیگر در جامعه سنتی و کوچک آن روزگار و سخت پیدا کردن شریک زندگی، در حالی که سیامند هفت خواهر دارد و خدیجه هفت برادر، در صورت رواج ازدواج فامیلی می‌بایست حداقل تعدادی از این عموزاده‌ها به هم علاقه پیدا می‌کردند؛ اما در این داستان ابراز علاقه و تمایل سیامند به عموزاده خود یعنی خدیجه، از طرف عمو و عموزاده‌ها یک شورش و بدعت محسوب شده و به شدت با آن مخالفت کرده و حتی نشانی از خوشحالی و تمایل خانواده سیامند ذکر نمی‌شود و این جای بسی تأمل دارد، چرا که در دوره معاصر هم وقتی که یک خانواده موکریانی برای پسر خود عروس اختیار می‌کند، مراسمی پرسروصدا و پراز شادی در سطح بزرگ برگزار می‌کند. این داستان یک مسیر خطی مشخص دارد که در طول آن دو عموزاده عاشق همدیگر شده‌اند و قصد ازدواج دارند، اما خانواده‌ها و جامعه در

مقابل آنها قرار گرفته و این بدعت را قبول نمی‌کنند. به احتمال زیاد قسمت‌هایی از این داستان در طول تاریخ از حافظه خوانندگان و بیت‌سرایان پاک شده؛ چرا که در طول داستان به روند مهم‌ترین بخش داستان یعنی زمان و نحوه دل باختن دو عاشق اشاره‌ای نشده است و حتی دلیل مخالفت خانواده‌ها با این مسئله بیان نشده است. از طرف دیگر بسیاری از اصطلاحات و لغات امروزی در بیان روند داستان ذکر می‌شود که با قدمت، ماهیت و بقیه ساختار داستان در تضاد است و ریشه‌یابی و بررسی آن خود پژوهشی مجزای طلبد.

۳. عشق و هدیه

یکی دیگر از مضمون‌های این روایت، عشق بخشنده و هدیه است. عشقی که با بخشندگی و از خودگذشتگی همراه نشود، کامل نمی‌شود. کمال عشق چه در معنای الهی و چه در مفهوم انسانی آن با ایثار و از خودگذشتگی حاصل می‌شود. از خود گذشتن و هدیه دادن چیزی ارزشمند بیانگر عمق عشق و ایثار و همچنین علاقه عاشق است (نامور مطلق، ۱۳۹۸: ۶۶). زمانی که دو عاشق به بالای کوه می‌رسند، سیامند با توجه به احساس تعهد، قدرشناسی، حمایت، انگیزه لذت از دادن هدیه به معشوق و دیدن خوشحالی او، در صدد تهیه یک غذای خوشمزه برآمده و به شکار کل کوهی می‌رود تا برای معشوق خود کبابی لذیذ از گوشت تازه مهیا کند.

تهیه غذای تازه و خوشمزه برای معشوق در واقع در حکم یک هدیه با ارزش و جلب نظر معشوق از طرف سیامند تلقی می‌شود. این شور و شوق سیامند در جهت تهیه هدیه معشوق، باعث می‌شود که به هشدار خدیجه توجهی نکرده و به قصد شکار به سمت گله کل کوهی برود. در ادامه داستان مشخص می‌شود که سیامند از جان خویش مایه گذاشته تا برای معشوقش هدیه درخورشان تهیه کند و در نهایت بزرگ‌ترین هدیه را برای او مهیا می‌کند. در واقع سیامند جسم خویش را همچون هدیه گزاف تقدیم معشوقش خواهد کرد و در مقابل خدیجه هم قدر دان او بوده و متقابلاً جسم و جان خویش را همچون هدیه‌ای با ارزش نثار سیامند خواهد کرد. در واقع این آخرین هدیه‌ای است که بین عاشق و معشوق رد و بدل می‌شود.

۴. وفاداری فعال

مهم‌ترین کنش عشق وفاداری است، زیرا عشق واقعی

رابطه‌ای ویژه و انحصاری میان عاشق و معشوق است، رابطه‌ای که به وفاداری کامل به معشوق می‌انجامد. در حقیقت وفاداری مهم‌ترین شاخص عشق است یعنی غیر دوست ندیدن. (نامور مطلق، ۱۳۹۸: ۱۰۹). افراد وفادار به راحتی در برابر مشکلات و ناملازمات ایستادگی کرده و به عشق خویش پایبند خواهند بود. به همین دلیل است که واکنش خدیجه به عنوان یکی از نشانه‌های واقعی عشق شناخته می‌شود. عشق خدیجه و سیامند پاک و اصیل است و با وجود اینکه از خانه و خانواده دور شده‌اند، تسلیم هوای نفس نشده و عشق ورزی نمی‌کنند. در بیان روایت این داستان از زبان همه بیت‌سرایان و آواز خوان‌های موکریان این امر مشترک بوده و هیچ‌کدام اشاره‌ای به تسلیم شدن این دو عاشق در برابر هوای نفس نمی‌کنند. آنها صمیمانه به عشق پایبند بوده و منتظر اجازه خانواده برای ازدواج بوده و به عشق خود وفادار هستند. از طرف دیگر وفاداری خدیجه به عشق و سیامند در دو مرحله از روایت، برجسته و عیان است. بار اول خدیجه تسلیم تصمیم خانواده نشده و با سیامند از خانه فرار می‌کند و بار دوم که پایان و اوج داستان محسوب می‌شود، خدیجه با نهایت وفاداری به عشق و پرهیز از دوری از معشوق، جان خود را تسلیم کرده و جسم خویش را از بالای کوه به طرف آغوش سیامند پرتاب کرده و چشم از جهان فرومی‌بندد. در واقع زمانی که خدیجه متوجه می‌شود دیگر سیامند زنده نخواهد ماند و آخرین لحظات زندگی خویش را به سر می‌برد، تصور آینده بدون عشق سیامند برایش غیرممکن می‌شود، برای همین تصمیم می‌گیرد در هر صورت در کنار او بماند و به جز او، عشق دیگری را تجربه نکند. وفاداری خدیجه به عشق سیامند به قیمت جانش تمام می‌شود. وفاداری اصلی‌ترین مضمون این روایت است که اشاره به پایبندی به عهد عشاق تا آخرین لحظات زندگی دارد.

۵. عشق و پویایی

رابطه محبت و مهرورزی بین خدیجه و سیامند از نوع معمولی نیست، برای همین برخورد خانواده آنها با این مسئله متفاوت از عرف جامعه بوده و این داستان ترازیک شکل گرفته است. روایت داستان به شیوه‌ای است که خدیجه در نقش قهرمان داستان ظاهر شده و به شخصیت اول داستان تبدیل شده است. عشق خدیجه به عموزاده‌اش سیامند نوعی خاص بوده و امکان قیاس با

سایر عشاق نیست. عشق خدیجه یک عشق پویا بوده و در این راه تاپای جان می‌رود. اگر عشق خدیجه معمولی بود پس از مخالفت خانواده، تسلیم تصمیم و اراده آنها می‌شد، اما خدیجه این امر را نپذیرفته و در راه عشق از خانواده گذر می‌کند. او در حین حفظ شرف، ناموس و موقعیت خانواده بر عشق و محبت خویش اصرار داشته و به همراه سیامند از



تصویر ۳. پوستر تئاتر خدیجه و سیامند، سیزدهمین جشنواره تئاتر کردی سقز ۱۳۹۵ (منبع: آرشیو جشنواره)

خانه فرار می‌کند، به امید اینکه رأی پدر و برادرانش را برگرداند و به سیامند برسد. این موضوع پویا از این جهت بسیار مهم است که به طور عمومی زنان معشوق منفعل تلقی می‌شوند. همچنین این نکته را نیز باید افزود که وفاداری نمی‌تواند منفعلانه باشد، زیرا کاری که به طور انفعالی انجام پذیرد، ارزشی نخواهد داشت. ارزش همواره با آزمون، انتخاب، فعالیت و کنش ایجاد می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

اسطوره‌شناسی تطبیقی

عشق در فرهنگ ایرانی به دلیل جایگاه فرهنگی و دینی، عشقی معتدل است. مضمون عشق در هنر و ادبیات بیشتر بی‌وفایی است، چرا که وفاداری عاشقانه به خصوص وفاداری زناشویی و امور عادی و بایسته تلقی شده و بیشتر به شرح بی‌وفایی پرداخته شده، چرا که امری نامعمول به حساب می‌آمده است (نامور مطلق، ۱۳۹۸: ۱۰۲). بیت خدیجه و سیامند، دارای چندین مضمون اصلی و مهم است که هر کدام از زاویه خاص آن، شایسته تأمل و اهمیت است؛ اما مضمون وفاداری در این بیت جایگاه برتر و ویژه‌ای

نسبت به سایر مضمون‌ها دارد. وفاداری عشاق تاپای جان، مضمون اصلی این روایت است که می‌توان آن را در اساطیر دیگر جست‌وجو کرد (جدول ۲).

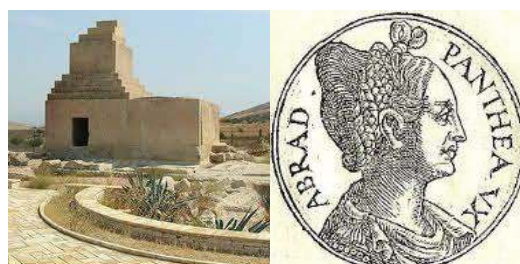
۱. پانته‌آ

تاریخ چندین هزارساله این تمدن همواره آبستن حوادث شوم و ناگوار بوده است. جنگ و خون‌ریزی مداوم در این سرزمین به همراه انسان‌ها بسیاری از تفکرات و مؤلفه‌های فرهنگی را به زیر خاک برده است؛ اما همین یادگارهای اندک که تاکنون به دست ما رسیده است، خود گویای فرهنگ غنی و تفکر عمیق گذشته ما محسوب می‌شود. عشق و وفاداری پانته‌آ در قالب روایت داستانی غم‌انگیز، بخشی از زندگی خصوصی یکی از سرداران این سرزمین را در گذشته دور به ما نشان می‌دهد که گویای روحیه و تفکر مردمان آن زمان است. این روایت در کتاب گزنفون با عنوان کوروش نامه مفصل ذکر شده است (مشایخی، ۱۳۹۲: ۲۸). این روایت در حقیقت داستان عشق پانته‌آ به همسرش آبراداتش است. این داستان در هنگام نبردهای کوروش علیه حکومت‌های بابل و لیدی روی داد و عشق پانته‌آ به همسرش زبانزد شد. یک قرن بعد از مرگ کوروش، گزنفون مورخ نامی یونانی، این داستان را در کتاب کوروش نامه یا سیروپدی به رشته تحریر درآورد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۳). این روایت بیان‌کننده عشقی پاک است که از پس آگاهی و شعور سر می‌زند و دوستی میان پانته‌آ و آبراداتش را با کوروش فرهیخته شکل می‌دهد تا حکایتی جذاب را در دل تاریخ به ثبت رساند (رضایی کرمانشاهی، ۱۳۹۲: ۸). این روایت متعلق به دوره مادها و هخامنشیان است که با توجه به نزدیکی دولت ماد و کردها، انتخاب شد. هنگامی که مادها پیرومندان از جنگ شوش برگشتند، در میان غنائم جنگی، زنی بود بسیار زیبا و به قولی زیباترین زن شوش که او را پانته‌آ می‌نامیدند. همسرش به نام آبراداتاس از جانب شاه خویش، شاه بابل، برای مأموریتی رفته بود. کوروش او را تا باز آمدن همسرش به یکی از ندیمان که مردی به نام آراسپ بود سپرد؛ اما آراسپ خود عاشق پانته‌آ شد و خواست از او کام بگیرد، پانته‌آ به ناچار از کوروش کمک خواست. کوروش که مطلع شد آراسپ را سرزنش کرد و چون آراسپ مرد نجیبی بود، به شدت شرم‌منده شد، سپس از طرف کوروش به دنبال آبراداتاس رفت تا او را به سوی ایران فرابخواند. هنگامی که آبراداتاس به ایران آمد و از موضوع با خبر شد، به پاس جوانمردی کوروش بر خود لازم دید که در لشکر او خدمت

سرنجام داستان	جلوه وفاداری	مکان فرهنگی	روایت اسطوره‌ای
مرگ معشوق بعد از مرگ عاشق	خدیجه بعد از مخالفت خانواده، آنها را ترک می‌کند خودکشی و پریدن خدیجه از بالای کوه بعد از پرت شدن سیامند توسط کل کوهی، برای بودن در کنار عاشق	ایران - کردستان موکریان	خه ج و سیامند
مرگ معشوق بعد از مرگ عاشق	خودکشی پانته آبرسر جنازه ابراداتس در میدان نبرد، برای ماندن در کنار عاشق	ایران - دوره ماد	پانته آو ابراداتاس
مرگ معشوق بعد از مرگ عاشق	مرگ گلشاه بر سر قبر ورقه، برای ماندن در کنار عاشق	ایران دوره اسلامی	ورقه و گلشاه
مرگ معشوق بعد از مرگ عاشق	خودکشی تسیبه بعد از مرگ پیراموس، برای ماندن در کنار عاشق	روم	پیراموس و تسیبه

سرگذشت عشقی پرسوز و گداز یک پسر عمو و دختر عمو که ناکام از دنیا می‌روند. ماجرای عشقی پرسوز و گداز بین دو عاشق و معشوق از یکی از قبیله‌های عرب. ورقه و گلشاه از کودکی و در مدرسه عاشق هم شده‌اند. سرنجام در بزرگسالی آماده ازدواج می‌شوند. رقیب و خواستگار قبلی با مردان جنگ جوی خود به جشن عقد ورقه و گلشاه حمله می‌کند و پیش از عقد آن دو دل داده، جشن را به هم می‌ریزد و گلشاه را نیز همراه خود می‌برد. ورقه پس از اتفاق‌های جنگ با رقیب و بازپس‌گیری عروس خود، در صدد برپایی مجدد جشن عروسی بود، اما همه دارایی خانوادگی خود را در حمله به رقیب و بازپس‌گیری عروس، از دست داده بود. ورقه به یمن می‌رود تا به کمک دایی خود که شاه یمن است سرمایه‌ای به دست آورد و نزد گلشاه بازگردد. در این فاصله، رقیب دوم یعنی شاه شام که آوازه گلشاه را شنیده بود، با وعده تقدیم ثروت بسیار، او را از پدرش خواستگاری می‌کند. شاه شام پیرزن مکاری را واسطه می‌کند. پیرزن پیش مادر گلشاه می‌رود و با وعده‌های مالی دلفریب شاه شام او را راضی می‌کند تا پدر گلشاه را نیز راضی کند. گلشاه پیش از رفتن با شاه شام، یک زره و انگشتری توسط غلام خود برای ورقه می‌فرستد. ورقه با دارایی فراوانی که به دست آورده، شتابان برمی‌گردد و خبر مرگ گلشاه را از پدر او می‌شنود و از هوش می‌رود. یکی از خدمتکاران گلشاه حقیقت را به وی می‌گوید. ورقه بی‌درنگ راهی شام می‌شود. نزدیکی شام، ورقه در جنگ با رازن‌ان زخمی و بیهوش می‌شود. شاه شام نیز که از شکار باز می‌گشته، پیکر مجروح ورقه را می‌بیند و فرمان می‌دهد که او را به قصر بیاورند تا مداواایش کنند. در قصر،

کند. هنگامی که ابراداتاس از طرف کوروش به سمت میدان جنگ با مصریان روان بود، پانته آدستان او را گرفت، در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود (تصویر ۴). ابراداتاس در جنگ کشته شد و پانته آبرسر جنازه او رفت و شیون و زاری کرد. کوروش به ندیمان پانته آسفارش کرد که مراقب او باشند، اما پانته آدر یک لحظه از غفلت ندیمان استفاده



تصویر ۴. تصویر پانته آو مقبره او و شوهرش (منبع: URL4)

کرد و خنجری را که به همراه داشت، در سینه خود فرو کرد و در کنار جسد همسرش به خاک افتاد و هر سه ندیمه نیز به واسطه وفاداری به بانوی خود پانته آ، خودکشی کردند. کوروش دستور داد تا مراسم خاکسپاری باشکوهی برای آنها ترتیب داده و مقبره بزرگی برای آنان ساخت. بقایای آرامگاه پانته آ و ابراداتاس هنوز در عراق باقی است. برستونی که به خط بابلی نام آن زن و شوهر حک شده است، نوشته‌اند «علم‌داران» (مشایخی ۱۳۹۲).

۲. ورقه و گلشاه

منظومه عاشقانه و پرسوز و گداز «ورقه و گلشاه» اثر عیوقی، یکی از آثار کهن و ارزشمند ادبیات فارسی است درباره



تصویر ۵. نگاره کتاب ورقه و گلشاه، گلشاه روی قبر ورقه جان داده است (منبع: URL3)

می افتد. ماده شیر در راه بازگشت به جنگل روسری را پاره می کند. پیراموس از راه می رسد و رد پای شیر، روسری پاره و



تصویر ۶. تیسبه به محل قرار برمی گردد، اثر بازناتولومئوس برینبرگ (منبع: URL2)



تصویر ۷. تیسبه در حال گفت و گو با معشوق از طریق شکاف دیوار، اثر جان ویلیام واترهاوس (منبع: URL2)

خونین را می بیند (تصویر ۶). او پاره های روسری معشوق را از زمین برداشته به طرف درخت توت می رود و با شمشیرش خودکشی می کند، خون فواره زده بر روی توت ها ریخته و آنها را به رنگ سرخ تیره درمی آورد، اما مدتی بعد تیسبه به سوی

ورقه به واسطه کنیزکی که پرستاری او را عهده دار است، انگشتی یادگار از گلشاه را به دست محبوب می رساند و گلشاه با دیدن انگشتی، از وجود ورقه در قصر مطمئن می شود و به هر ترتیب عاشق و معشوق یکدیگر را می بینند. اما ورقه پاکدل تصمیم خود را گرفته و به سختی از گلشاه دل می کند و از شام می رود. در راه بیابان رفته رفته حال جسمی ورقه بد و بدتر شده و از غم عشق گلشاه می میرد. غلامش با همراهی دو مسافر پیکر او را به خاک می سپارد (تصویر ۵). خبر به قصر گلشاه می رسد. با شنیدن این خبر، دنیا به چشم گلشاه تیره و تار می شود و پیوسته زاری و شیون سر می دهد. هنگامی که گلشاه به همراهی شاه شام به محل قبر ورقه می رسند، زاری کنان و در حالی که قبر وی را در آغوش گرفته، نوحه خوان و گریان همچنان که روی خاک ورقه افتاده بود، جان به جانان تسلیم می کند و می میرد (صفا، ۱۳۴۳).

۳. پیراموس و تیسبه^۴

اسطوره ای رومی اثر پوبلیوس اوویدیوس ناسو^۵ که الهام اصلی داستان رومئو و ژولیت ویلیام شکسپیر است. روایت است که توت سفید بعد از مرگ دو عاشق به رنگ تیره تغییر کرده است. پیراموس و تیسبه که در همسایگی هم می زیستند و دیواری مشترک خانه آنها را از هم جدا کرده بود. آنها با هم بزرگ شده و عاشق هم شدند و وقتی خواستند با هم ازدواج کنند، پدر و مادرشان موافقت نکردند. در آن دیواری که خانه آن دور از هم جدا می کرد، شکافی وجود داشت که تنها راه ارتباط دو عاشق بود (تصویر ۷)، سرانجام آنها قرار گذاشتند که همدیگر را بیرون شهر در زیر درخت توت سفید کنار گورستان ملاقات کنند. تیسبه شب هنگام از خانه بیرون آمده و زودتر به محل قرار می رسد. بعد از مدتی ماده شیری که حیوانی شکار کرده بود و پوزه اش خونین بود، به چشمه کنار درخت نزدیک می شود. تیسبه فرار می کند، ولی روسری اش روی زمین



تصویر ۸. صحنه شکار و پرت شدن سیامند از بالای کوه در فیلم سینمایی ۲۰۰۷ (منبع: URL1)



تصویر ۹. صلاح خضری از بیت سرایان و خوش خوانان معاصر موکریان در حال اجرا در صداوسیما (منبع: آرشیو هنرمند)

هنرمندان سنتی این نوع موسیقی ویژه موکریان پرداخته و ضمناً به بازخوانی و زنده نگه داشتن این نوع موسیقی کمک شایانی کرده است تا جایی که هم اکنون مردم موکریان بیت و حیران را با نام صلاح خضری شناخته و جالب توجه برای اکثریت مردم محلی است (تصویر ۹).

یک فیلم سینمایی بلند برگرفته از داستان و روایت بیت «خه ج و سیما مه ند»، نیز در سال ۲۰۰۷ عرضه شد (تصویر ۸). در دوره معاصر بسیاری از نوزادان با نام این دو دل داده نام گذاری می شوند که از بین آنها می توان به قهرمان بزرگ وزنه برداری جهان سیامند رحمانی از اشنویه اشاره کرد که قهرمان چندین دوره وزنه برداری رقابت های جهانی پارالمپیک شد و نامش در سال ۲۰۱۶، در کتاب رکوردهای گینس به ثبت رسید.

نتیجه گیری

مضمون وفاداری و عشق در دنیای معاصر با چالش اساسی مواجه شده است و باعث شکل گیری انواع بی ارزش و

درخت شاه توت برمی گردد و پیراموس را غرقه در خون و در حال مرگ می یابد. سراسیمه به سوی عاشق خود رفته و او را در میان بازوان می گیرد. سپس شمشیر او را می بیند که از دستش افتاده و کنار آن تکه پاره های به جامانده از روستری خودش را می بیند و حقیقت ماجرا را درمی یابد. او شمشیر را که هنوز آغشته به خون پیراموس بود برداشته و در قلب خود فرو می کند (URL2)

بیش متن ها

به فرهنگ شفاهی کردهای موکریان چنان که باید و شاید توجه نشده و پژوهش علمی درباره آن صورت نگرفته است، اما در دهه اخیر با توجه به حضور جوانان در دانشگاه های سراسر کشور و آشنایی با پژوهش، تعدادی از این جوانان دانشگاهی به هنر و سنت خود رجوع کرده و آنها را به هنر معاصر وارد کرده اند. اسکارمان مستشرق آلمانی در دوره قاجار به ایران سفر تحقیقاتی داشته و اولین مجموعه از ادبیات شفاهی موکریان را در قالب یک کتاب مدون با نام تحفه مظفریه در آلمان به چاپ رسانده است. در دوره معاصر هم احمد بحری پژوهشگر زبان و ادبیات کردی از شهر مهاباد، تعدادی از بیت های موکریان را جمع آوری و در قالب کتاب گه نجی سه ربه مور چاپ کرده است. مهدی ضیاءالدینی نقاش و هنرمند سنندجی در یک دوره کاری خود، بیت های موکریان را مضمون اصلی آثار خود قرار داده و خصوصاً با بیت خدیجه و سیامند در قالب نقاشی، طراحی، نقش برجسته و مجسمه آثاری ارزشمند خلق کرده است. در تصویر (۱) هنرمند اوچ داستان یعنی گفت و گوی دو دل داده قبل از مرگ را به تصویر کشیده است و در تصویر (۲) هنرمند لحظه آخر و پایان داستان یعنی گیر کردن دو دل داده ناکام در میان تیغ های درخت گزو و مرگ آنها را در کنار هم به صورت نقش برجسته به نمایش گذاشته است. هنرمند رسول بانگین از شهر اشنویه در سال ۱۳۹۵ در قالب یک نمایش تحت عنوان «خه ج و سیابند» که داستان دل دادگی خه ج و سیامند را در دو فضای قدیم و جدید روایت کرده، در سیزدهمین جشنواره تئاتر کردی سقز شرکت کرد و توانست جوایزی ارزشمند از این جشنواره کسب کند (تصویر ۳). صلاح خضری، از خوانندگان و هنرمندان میان سال مهابادی است که سال های متمادی است که عمده تمرکز خویش را بر روی جمع آوری بیت و حیران موکریان کرده است. او ضمن تولید مستندهای ارزشمند به معرفی

سطحی از عشق شده است، چرا که فرهنگ غالب و مسلط غرب بر جهان، الگوهای جدید عشق را منتشر می‌کند و جایگاه عشق را تنزل بخشیده به لذت جسمانی منتهی می‌کند. این امر باعث بحران روابط انسانی در جامعه شده است. به همین جهت واکاوی الگوهای عشق در فرهنگ گذشته امری ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. فکر و اندیشه هر تمدنی در آثار هنری آنان انعکاس یافته است. این حضور و انعکاس در موسیقی بسیار پررنگ‌تر و چشمگیرتر از سایر هنرهاست. این مهم در آثار هنری کردها خصوصاً موسیقی و بیت‌ها، بارز و مشخص است. در این راستا به منظور بررسی و شناسایی الگوی عشق در فرهنگ کهن مردم کرد موکریان، یک روایت عاشقانه در موسیقی و بیت خدیجه و سیامند موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفت. در این روایت چندین مضمون مهم بررسی و تحلیل شد، اما مضمون اصلی روایت وفاداری تشخیص داده شد. وفاداری خدیجه به عشق و معشوق باعث شد که در مرحله نخست در مقابل تصمیم خانواده مقاومت کرده و حتی با سیامند از خانه فرار کند و در مرحله آخر داستان او ج فداکاری و وفاداری خویشتن را نمایان کند. خدیجه زمانی که می‌بیند سیامند در راه تهیه هدیه برای او جانش را از دست می‌دهد، به نیت جبران هدیه، وفاداری به عشق و معشوق، خود را از بالای کوه پرت می‌کند تا برای همیشه در کنار عاشق خود بیارم. خدیجه در این روایت در جایگاه یک زن به عنوان شخصیت اول داستان ظهور یافته است و فارغ از جنسیت به عنوان یک انسان عاشق ایفای نقش می‌کند و در نهایت در آخر داستان با گذر از جنسیت و لذت جسمانی به مرحله نهایی عشق رسیده و از جان خود می‌گذرد تا به عشق خویشتن وفادار بماند و در نهایت به تکامل می‌رسد. در واقع شخصیت خدیجه در این داستان معرف عشق واقعی و معنای حقیقی وفاداری است. مقایسه روایت داستان با اساطیر دیگر، مشخص کرد که ساختار داستان عشقی مطرح شده در این روایت با ساختار عشق مطرح شده در اساطیر سایر ملل دیگر مقایسه شدنی است و نمونه مشابه آن وجود دارد. پس این ساختار هدفمند و از اصالت اساطیری برخوردار است.

پی‌نوشت

۱. عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار) شاعر، نویسنده، مترجم، فرهنگ‌نویس، واژه‌شناس، محقق اسلام‌شناس، مفسر و فرهنگ‌نویس کرد، اهل مهاباد موکریان بود. از کارهای برجسته او می‌توان به ترجمه کتاب قانون در طب ابن سینا از عربی به فارسی، ترجمه منظوم رباعیات خیام از فارسی به کردی و فرهنگ کردی به

- کردی و فارسی (هه نیانه بوریانه) اشاره کرد، مهاباد.
 ۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، پژوهشگر زبان و ادبیات کردی، مهاباد.
 ۳. دبیر بازنشسته زبان و ادبیات فارسی شهرستان مهاباد، مؤسس و سردبیر مجله مهاباد، پژوهشگر زبان و ادبیات کردی، مهاباد.
 4 Pyramus and Thisbe
 5 Publius Ovidius Naso

منابع

- آدرخش، حمیرا؛ اخگری، محمد؛ همراز، ویدا (۱۳۹۰) *بررسی قابلیت‌های رادیویی بیت خوانی در فرهنگ کرد (بررسی موردی بیت خوانی در موکریان)*، پایان‌نامه علوم ارتباطات، دانشگاه صدا و سیما تهران.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۳) *کوروش و پانته‌آ؛ شکوه عشق و عصمت*، تهران: نشر جوهر حیات.
- ایوبیان، عبیدالله (۱۳۳۴) «چریکه خج و سیامند، یزدان»، *زبان و ادب فارسی، نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز*، ۸، (۳۷)، ۵۲-۱۰۵.
- افروز، غلامعلی (۱۳۹۴) *روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری*، تهران: دانشگاه تهران.
- الهی، فائزه؛ طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۳) *ادبیات شفاهی (فولکلور) عشایر کرد مکرری (نمونه موردی ایل منگور مهاباد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بحری، احمد (۱۳۷۹) *آنگه نجی سه ربه مور*، اربیل عراق: نشر سه رده م. پلودن، لیدی (۱۳۵۱) *اساطیر یونان*، ترجمه محمد نژد، تهران: پدیده.
- حسینی، عبدالحمید (۱۳۵۷) *روایت‌هایی از منظومه حماسی دمدم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز.
- رضایی کرمانشاهی، حبیب (۱۳۹۷) *پانته‌آ دختر آریایی*، تهران: آتی‌نگر و رخداده معاصر.
- رحمان‌زاده، سامان؛ مدرسی، فاطمه؛ زهت، بهمن (۱۳۹۷) *بررسی تطبیقی ساختار اساطیری حماسی در ادبیات حماسی کردی و فارسی*، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه.
- روژنیانی، محمد جمیل (۱۳۸۵) *فرمانروایان موکریان*، تهران: آنا.
- شرفکندی، عبدالرحمن (هه ژار) (۱۳۷۶) *فرهنگ کردی فارسی (هه نیانه بوریانه)*، تهران: سروش.
- ضیاءالدینی، کزوان (۱۳۹۷) *مفهوم بند در موسیقی کردهای موکریان*، تهران: سوره مهر.
- عزیزی یوسفکند، علیرضا؛ خزایی، محمد (۱۳۸۸) *بررسی نقوش دست‌یافته‌های زنان کرد مکرریان با تأکید بر نقوش روی کلاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- عزیزی یوسفکند، علیرضا؛ شکرپور، شهریار (۱۳۹۹) «بررسی و تحلیل اسطوره‌شاماران بر اساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل»، *جلوه هنر*، ۱۲ (۴)، ۴۹-۵۹.
- عزیزی یوسفکند علیرضا؛ نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۹) «بررسی و تحلیل

- ture, PhD Thesis in Persian Literature, Faculty of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia (Text in Persian).
- Rojbiani, M. (2006). *Mokrian Rulers*, Tehran: Anna Publishing (Text in Persian).
- Sharafkandi, A. (1997). *Persian Kurdish Culture (Hebaneh Borineh)*, Tehran: Soroush Publishing (Text in Persian).
- Zia al-Dini, K. (2018). *The Concept of Band in Mokrian Kurdish Music*, Tehran: Soore Mehr (Text in Persian).
- Azizi Yousefkan, A., Khazaei, M. (2009). *Study of Hand-Woven Patterns of Kurdish Women Makrian with Emphasis on Patterns on Hats*, Master Thesis in Visual Communication, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran (Text in Persian).
- Azizi Yousefkan, A., Shokrpour, S. (2021). Studying and Analyzing Shamaran Myth Based on Joseph Campbell's "Hero's journey", *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 12(4), 49-59. doi: 10.22051/jjh.2020.32256.1536 (Text in Persian).
- Azizi Yousefkan, A., Namvar Motlagh, B. (2020) Study and Analysis of Archetypes in the Myth of Shamaran from Mokrian Region based on Jung's Views, *The Journal of Negarineh Honar Islami (Islamic Art)*, 7(20), 43-56 (Text in Persian).
- Ayouki, Safa, Z. (1964). *Vargeh and Golshah Ayouki*, University of Tehran Press, Tehran (Text in Persian).
- Ayoughi, S., Translator: Hosseinzadeh, A. (2014) *Vargeh and Golshah*, Andisheh Varzan Publishing, Tehran (Text in Persian).
- Xenophon (2013). *Kouroshnameh*, Translated by Mashayekhi, Tehran: Scientific and Cultural Publications (Text in Persian).
- Goftari, D., Naser Bakht, M., Habibaullah Zargar, S. (2015) *A Study of the Dramatic Aspects of Kurdish Poems with Emphasis on Swaro Poetry and According to Martin Pouchner Theories*, Master Thesis in Dramatic Literature, Farabi International Campus, Tehran University of Arts (Text in Persian).
- Man, O. (1974). *Gift of Mozaffariyeh*, Translated by Heiman Mokriani (Shaykh al-Islami), Mahabad: Nashrsidian (Text in Persian).
- Namvar Motlagh, B. (2019). *The Myth of Love Mining in Iranian Culture*, Tehran: Sokhan Publishing (Text in Persian).
- Nosrat Hayq, S., Karami, M., Shalchi, V. (2015) *Representation of Kurdish Ethnic Identity in Traditional Kurdish Music Makrian*, Master Thesis in Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaie University (Text in Persian).
- کهن الگوها در اسطوره شاماران از منطقه موکریان بر اساس آرای یونگ، «نگارینه هنر اسلامی»، ۷ (۲۰) ۴۳-۵۶.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۴۳) *ورقه و گلشاه عیوقی*، تهران: دانشگاه تهران.
- عیوقی، صلاح الدین (۱۳۹۳) *ورقه و گلشاه*، ترجمه آناهیتا حسین زاده، تهران: اندیشه ورزان.
- گزنفون (۱۳۹۲) *کوروش نامه*، ترجمه رضا مشایخی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- گفتاری، دنیا؛ ناصربخت، محمدحسین؛ حبیب الله زرگر، شهرام (۱۳۹۷) *بررسی وجوه دراماتیک بیت های کردی با تأکید بر بیت سواروو و با توجه به نظریات مارتین پوشر، پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، پردیس بین المللی فارابی، دانشگاه هنر تهران.*
- مان، اسکار (۱۳۵۳) *تحفه مظفریه*، ترجمه هیمن موکریانی (شیخ الاسلامی)، مهلباد: سیدیان.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۸) *اسطوره کاوی عشق در فرهنگ ایرانی*، تهران: سخن.
- نصرت هیق، صالح؛ کرمی، محمدتقی؛ شالچی، وحید (۱۳۹۴) *بازنمایی هویت قومی کردی در موسیقی سنتی کردی موکریان*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

References

- Azarakhsh, H., Akhgari, M, Hamraz, V. (2011). *Study of Radio Capabilities of Illiteracy in Kurdish Culture (Case study of illiteracy in Mokrian)*, Thesis of Communication Sciences, Radio and Television University of Tehran, Tehran (Text in Persian).
- Asadi, A. (2014). *Kourosh and Pantea: The Glory of Love and Infallibility*, Tehran: Johar Hayat Publishing (Text in Persian).
- Ayubian, O. (1955). Khoj and Siamand Guerrilla, Yazdan, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, 8(37), 52-105 (Text in Persian).
- Afroz, G. (2015). *Psychology of Marriage and the Glory of Marriage*, Tehran: University of Tehran Press (Text in Persian).
- Elahi, F, Tabibi, H. (1994). *Oral Literature (Folklore) of Kordakri Nomads (Case Study of Mahabad Mahabad Tribe)*, Master Thesis in Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran (Text in Persian).
- Bahri, A. (2000). *Ganji Sar to Moore*, Published in three categories, Erbil, Iraq (Text in Persian).
- Ploden, L. (1972). *Greek Mythology*, Translated by Mohammad Nejad, Tehran: Padideh Publishing (Text in Persian).
- Hosseini, A. (1987). *Narratives from the epic Poem Damdam*, Master Thesis in Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz (Text in Persian).
- Rezaei Kermanshahi, H. (2018). *Pantea Aryan Girl*, Tehran: Publishing and Contemporary Event (Text in Persian).
10. Rahmanzadeh, S., Modarresi, F., Nozhat, B. (2015). *A Comparative Study of Mythological-Epic Structure in Kurdish and Persian Epic Literature*

URLs:

- URL1- aparat.com
 URL2- imgur.com
 URL3- smb.museum.com
 URL4- wikiwand.com

The Myth of Love Mining in "Bait Khaj and Siamand" by Mokrian¹

Alireza Azizi Yousefkand²
Bahman Namvar Motlagh³

Received: 2021/02/14
Accepted: 2021/06/24

Abstract

In the first step, the myth seems to be a narrative and a story; but myths carry the way and method, thoughts and messages hidden in the margins of the narrative. The truths contained in these narratives in many ways provide a model and method based on our ancient culture for living in today's society. The dominant culture of the West in the world spreads new patterns of love and degrades the status of love to physical pleasure. This has caused a crisis of human relations in society. Therefore, the analysis of love patterns in the past culture seems necessary and inevitable.

In the northwest of Iran is a region with a mountainous climate known as Mokrian and the center of Mahabad city. Mokrian Kurdistan is a very large land that is naturally a high mass that leads from the north to the city of Oshnoyeh and Lake Urmia and from the south to the city of Sanandaj and from the west to Iraq and from the east to the city of Maragheh and Tabriz. The people of Mokrian region, like other scattered ethnic groups and civilizations in Iran and the world, have their own unique culture and art. Although due to historical conditions, social spheres, etc., in the distant historical background of this civilization, we do not find a trace of visual art and written literature in the classical European and traditional Iranian way, but many unspoken and cultural components are transmitted and preserved in a traditional way. This has given rise to a special kind of oral literature. One of these cases is the expression of many principles and biological rules of these people, hidden in the heart of stories and legends, which are narrated in the form of heart-to-heart songs and are safe from the bite of history. In the oral culture of the Mokrian people, there are narrative and descriptive systems called verses. These narrations have a word that has mythological, ritual and historical aspects. The verses are narrated by Mokri singers in a cursed form only with singing and without the use of any musical instrument. The narrators of the verse are generally old people who, in their own tone, tell the audience the myths and stories they have inherited from the distant historical past. One of the most famous of them is Bait Khadijeh and Siamand, which tells a love and tragic story between two cousins. In order to study and identify the pattern of love in the ancient culture of the Mokrian people, the method of love between Khadijeh and Siamand was the main subject of this study. This mythical narrative is expressed in most Kurdish regions of the world in different ways and with small changes in the details of the narrative, with great enthusiasm,

1-DOI:10.22051/JJH.2021.35121.1610

2- PhD student in Islamic Arts, Faculty of Industrial Arts, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran. Email: a.azizi@tabriziau.ac.ir

3-Associate Professor, Department of French and Latin Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Corresponding Author. Email: bnmotlagh@yahoo.ir

and in the contemporary period it penetrates and shows itself in other arts. The thoughts and ideas of each civilization are reflected in their works of art. This presence and reflection in music is much more colorful and impressive than other arts. This is important in Kurdish works of art, especially the verses, if these verses, which have been inherited from the distant past, are carefully examined and analyzed as paintings. Many social, cultural, economic and other issues will be revealed in the past. Love as an essential element of human life has always been the focus of researchers in all fields of humanities, but today, due to the crisis of family and social relations, it has become a fundamental necessity. The dominant culture of the West in the modern and contemporary world spreads new patterns of love and with it expands its thinking and degrades the status of love and leads to physical pleasure, and this has caused a crisis in human relations in society. Little research has been done on Kurdish traditional music. Beat and bit-reading, as an essential part of Mokrian Kurdish traditional music, have also received very little attention from researchers. For most readers, stories that analyze personal relationships are more appealing than other stories that tell only a linear narrative. That the protagonist establishes a romantic relationship with another person attracts the peak of the reader's emotions and attention. The character of the lover usually has a significant attraction for the audience and attracts his all-round opinion. The lover decides at the peak of his feelings that they will be together until the last moment of life and even death will not separate them. Bait (Khaj and Siamand) also show this. Khadijeh wants to mix her existence with Siamand like a firm lover, but such an action carries the risk of her death. Narratives in which the lover prefers death to separation speak of the belief that love goes beyond death. The story of Khadijeh and Siamand is of the kind of lovers who prefer death together to living alone. This narration has different themes, some of which are important in relation to love. The manner and manner of love relationship between Siamand and Khadijeh is the main subject of this research and its purpose is to study and identify the pattern of love in the ancient culture of the Mokrian people and present it to young people far from their ancient culture. The most important act of love is fidelity, because true love is a special and exclusive relationship between lover and beloved, a relationship that leads to complete fidelity to the beloved. In fact, loyalty is the most important indicator of love that is, not seeing a friend. Loyal people will easily withstand adversity and adhere to their love. Love in Iranian culture is a moderate love due to its cultural and religious status. The theme of love in art and literature has been more infidelity, because romantic fidelity, especially marital fidelity, is considered normal and necessary, and infidelity has been described more because it is considered unusual. The authors of this study believe that the mythology of love has given us a correct understanding and a new reading of the verse (Khaj and Siamand) in Mokrian and has clarified one of the patterns of love in this culture. This research seeks to answer the question: Does love have a specific structure in the narrative in question? Is there an example of this structure in other myths of Iran and other nations? The result showed that this structure of love in this narrative is purposefully designed and its structure is recognizable. This structure is also found in other myths of other nations. In this narration, several important themes were studied and analyzed, but the main theme of the narrative of loyalty was recognized. Khadijeh's loyalty to love and lover caused her to resist the family's decision in the first stage and even ran away from home with Siamand, and in the last stage the story reveals the culmination of self-sacrifice and loyalty. Khadijeh, when she sees that Siamand loses her gift on the way to preparing a gift for her family, throws herself from the top of the mountain with the intention of compensating for the gift, loyalty to love and the beloved, so that she can be with her lover forever. In this narration, Khadijeh has emerged as a woman as the first character of the story and has played a role as a loving human being, regardless of gender. Finally, at the end of the story, she reaches the final stage of love through sex and physical pleasure and dies until Remain faithful to your love and eventually evolves. In fact, Khadijeh's character in this story represents true love and the true meaning of loyalty. Comparing the narration of the story with other myths, it was found that the structure of the love story presented in this narrative is comparable to the structure of love presented in the myths of other nations and there is a similar example. Therefore, this structure is purposeful and has mythological originality. This research has been done in a descriptive-analytical method, collecting information using library and field resources, as well as the global information network.

Keywords: Myth, Love Pattern, Bait Khaj and Siamand, Mokrian.